

SPIDER-MAN/ DEADPOOL

JOE KELLY
ED McGUINNESS
MARK MORALES
JASON KEITH

#1



MARVEL

دورنامه
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

PLUS
A SPECIAL
PLUS BOOK:

THE DIVISION

#1

INCLUDED!

...من فقط گفتم
گره پرنده واقعا قانع کننده
بود. آگه دیده بودیش می گفتی
"لعنتی. این دوست داشتنی ترین
و صادق ترین کله غوطه ور گره ایه
که تا حالا باهاش حرف زدیم."

و مهمتر اینکه
۸۵ درصد عقم
سرجاش بود...

ددپول.

بله اسپایدی؟

همه این
"کلماتی" که تو اون
سطر زباله سمی که بهش
می گی مغز می چرخه، خفه
کن. تا آخرین هجای
آخرین کلمه.

این کلماتو
از بین ببر و
خفه شو!

ولی...

دورنام
dornaname.ir

ففه شو
ففه شو ففه شو
ففه شو!

گرفتم. تو
چند لحظه اسپایدی
لازم داری. خیلی
هم عالی...

...ولی به
نظر بنده حقیر نکته ای
می رسه که مهمترین نکته ایه
که در حال حاضر تو کل دنیا
وجود داره که بخواهی
بهش فکر بکنی...

اگه همین الان
این تگونیاتو تموم نکنی
واقعا می گم. این "شمشیر
کاتانا" رو در مهارم و
اون "جای اسپایدری" که
نباید بریده می شه.

منظورم
از "کاتانا" ...

تو چه
مرگته؟!؟

چپ! من به
کانادایی مرد با خون قرمزما
قضیه اصطکاک و اون بخش از بیولوژی
که به بخش چرمی ساییده می شه.
لطفاً اینقدر وول عنکبوتی
نخور...

می شه لطفاً
خفه شی تا من بتونم
فکر کنم!

سر من
دادنگش... می دونی
که تحریم
می کنه.

حشرات انسانی...
خیلی جرأت کردید که به
دشست های سوزان درمانو
اومدید اونم روزی که
قراره من به اوج برم...

امیدوار بودید
به چی برسید؟ اونم
وقتی که ماه خون گرفته
طلوع کرده، من باید...



اووه! مونولوگ
شخصیت بد داستان. خیلی
خوبه برای توقف قدرت. حتی
بهتر از به یاد آوردن حموم
دادن مودوک با اسفنج...

نه لطفاً هر چی اطلاعات
برای برتری تو دنیاهای
مختلف داری همین حالا
بریز بیرون!...

وایستا بینم... کی
موداک رو بردی
حموم با اسفنج
شستیش؟

وقتی تجارت
جیوه کساد باشه...
در مورد من
فکر بد نکن!

می دونم مرگتون
بی نتیجه نیست... چون من
نمی دارم بمیرید. شما باید
قرن ها اسباب بازی های
این بی مغزها
باشید...

ما فقط
یه کم اهرم فشار
لازم داریم...

اوه قراره
یه اهرم تو کار
باشه...

خیلی غلط
شد که. من فکر می کردم
اگه یه روزی قرار باشه سر
زنم کلاه بذارم، برای
یه چیز درست و حسابی
باشه...

امیدوارم وقتی تا
ابدیت در مورد این لحظه
فکر می کنی، جواب این
سؤال که چرا من انقدر ازت
بدم میاد پیدا کنی...

دیگه توهین
بسه...
فکر کنم...

وایستا...

می خوام...

نگهش دار
تا زمانیکه روحمونو
ببلعند!

اوه... هوه...

دورمامو داشتم به
این موضوع فکر می کردم
که وقتی بخوای یه میلیون
سال شکنجمون بدی. به هم
چسبیده خواهیم بود یا
جدا؟

یا مادر اهرم
فشار، این دردناک ترین
اتفاق ممکنه!!!

POPP

خوبه
خو... این استخوان
گفت بود؟

چطور
این کارو کردی؟

آسونه... وقتی
بیخیال ترس... و
تاندون و عضله... و
جسم بشی...

یه لطفی
کن و قبل از اینکه
از هوش برم بازمون کن
... چون در اونصورت خودمو
واقعا خیس می کنم.

یه نمره عالی
برای تلاشت. ولی این
نقشه برای هیچ کدوممون
نتیجه خوشحال کننده
نداره. یه شمشیر
نمی تونه ایفای...

تو به
مواد مرکب با
بافت نانو سرامیک
دسترسی داری؟؟
بابا...!

فقط با
یه نوع ساختگی
حواس این شاه-شیطان
رو پرت کردم تا بتونم
استخوان کفلم رو
جایجا کنم...

ولی اینکه
یه وسیله علمی
تیز دارم خیلی
باحاله.

تو هم پرو سراغ
همون قابلیت های انسانی
و شاگرددرس خونی

بازم سر
بحث قابلیت انسانی
و دست های
چسبی-مسبی رو
باز نکن!

تو پای منو
به جهنم باز کردی!
جهنم واقعی و
استعاری!



خیلی تو گذشته زندگی می کنیا...

ولی "واقعی" و "استعاری" رو خیلی خوب اومدی. اصلا مثل بقیه آدما ازش استفاده نکردی...

الان دیگه وقت چرت بیهوشی ناشی از درده.



نه! تو این آخرین لحظات وحشت و مرگ از هوش نرو...!



یا میرزا غضنفر!

شما دو تا جوچه فکلی واقعا منو انگشت به دهن کردید...مخصوصا اون عنکبوت.

یه زمونی "مردعنکبوتی" بودن شان و منزلت داشت. من نمی دونم برای چی با این اوشکول می پلکی.

می خواهی بر گردی صحنه رو مرور کنی یا من...؟



هی استخون کفلم جاافتاد. جرکت پیچدار خوبی بود.

نا برده رنج تو گنج ما میسر نمی شود.



کارخانه تصفیه فاضلاب های نورث ریور

www.comicsara.ir

امیدوارم قضاوت
بد به حساب نیاد. ولی
از محل اجرا همه
چیزت بوی گند
می ده.

متأسفم، می دونم
که کار ساده و دم دستیه
ولی وقتی گوش نمی کنید
چرا زحمت کشیده بشه؟

شلیک کننده های تار
خشاب چهار.

داشتم به این
فکر می کردم که اگه
با فرکانس میلیونی هم
خودتو تگون بدی نمی تونی
اسپایدی رو دفع کنی.

متأسفم
نمی شه از جوک های
توالتی براحتی
گذشت...

اینا دقیقاً
افکار کشیف من
هستند!

تو نمی فهمی
ولی من الان وسط
کمک کردن به کسی
غیر از خودم هستم. اگه برات
مشکلی نداشته باشه...

آره.
هایدرومن.
واو.

نه... نه.

به نظرت این
طرز خوشامدگویی به
همکار انتقام جوت مناسبه.
اوووه ببخشید. کاملاً
یادم رفته بود که بزرگترین
گروه قولاخ های تاریخ
رو ترک کردی.

خوشحالم که
با قهرمان بازی سرتو
گرم کردی.

انگار سرطان
رو در مان کردی یا
جلوی خوندن کانیه
رو گرفتی.

بذار یه چیزی
بهت نشون بدم
که رسماً عالییه...

بغل کردن همه چیز رو بهتر می کنه! مگر اینکه مرض استخوان شپشه ای داشته باشی.

مقدمه چینی چرا. تو که همین الان هم به هدفت رسیدی!

یا اگه بمفت داشته باشی.

خنثی ولی بحرانی حالت مورد علاقه منه! می تونم هر کاری که فکر می کنم درسته انجام بدم.

اینجا اتفاقی نیفتاده. پس هر کاری می خواهی بکنی سه دقیقه دست نگه دار.. لطفا!

به اون قطعه THE MORAL COMPASS A چر SPAN ۱۹۵۰

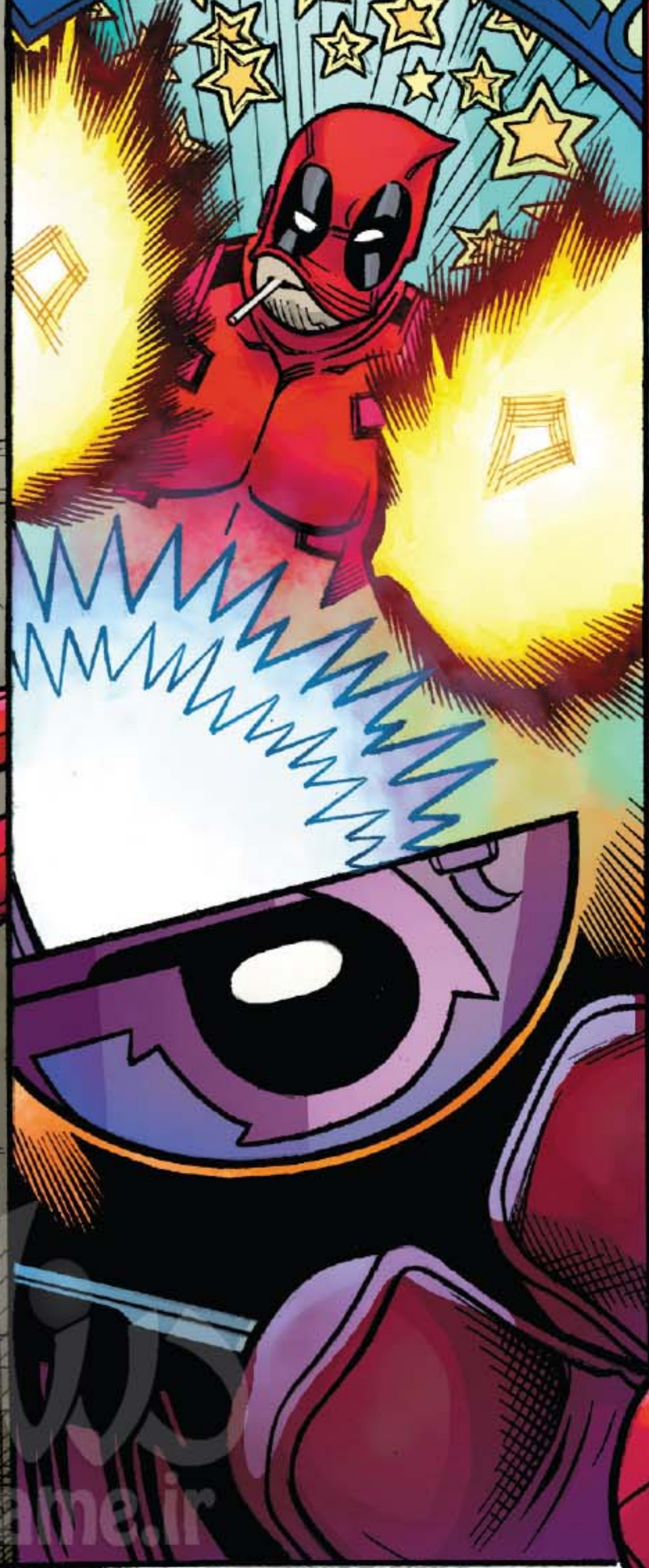
کنسل! کنسل!

پزشک های درمانگر من و افرادی که من فرستادمشون بیمارستان، به من می گن که از "قرارداد اخلاقی" که جوامع بر پایه اونها هستند چیزی نمی فهمم...

مثل اون نمودارهای صورتکی که به بچه های اوتیست می دن. ولی برعکس. حالا بگو بینم... باید تو این شرایط کوچولو کمکت کنم یا نه؟

قسم می خورم اگه یه قطره از این احمق قبل از رسیدن نیروهای شیلد فرار کنه...

CHAOTIC NE



آه... خوبه. حالا... می شه ادامه داد...

یه چی...؟

HGGGH BRRRBLE HFFF اگه دستم پر سه...

BAMF

با این هیولای آبی
دست به یقه شده بودی و
من مثل یه شوالیه با شعور
اونجری پریدم وسط و تو
رو بخاطر آینده دنیا
نجات دادم.

اگه به سبک
اونجرها بود، باید یکیشون
دیده می شد نه تو!

اصلاً به دکتر
استرنج زنگ
زدی؟ برنامه ای
دارند؟

تو زیادی
فکر می کنی!

یه کم
داره به مغزم
فشار میادا!

اینا تو
جیب تو چیکار
می کنند؟

ببینید چی
براتون آوردم...

موجودات بی مغز!!!

اینا بخشی از
نقشه منه. راستش
سر راهم یه سری به
مرده شورخونه زدم.

NO. NO. NO.

می دویم
درسته؟ اصلا برای
ترکوندن اینا بهمون
حقوق می دن؟

نه
اینجوری
نمی شه.

خوب... ما داشتیم...
می جنگیدیم.
حتما دلیلی داشت؟
چون...؟

همه چی
این قضیه غلط
از آب درمیا.

منو پوشش
بده عنکبوت!

به تو یه
مغز می رسه! تو
هم مغزدار می شی.
صبر.. این نارنجکه.
متاسفم...

به تو
میرسه!
میرسه!

پوست کندن
تو شرح وظایف من
نبوده؟!!

احمق های بی مغز
من به شما دستور
می دم که پوست
اونا رو...

چطور انتظار داری
به بهترین شکل خدمت
کنم وقتی نه پاداشی
در کاره نه تشکری
نه...

کله اون
ترکید و من مطمئنم
اصلا اسمشونمی دونی.

اسمش
کارل بود.
کارل!

مصاحبه کاری؟

من رق
شدم. من تو
مرد آبی غرق
شدم و این
همه...

هیچکدوم از این
مسائل به این شکل
حل نمی شه.

تبریک می گم.
شما شاغل شدید!

بوم! ما با
استفاده از مغز
میلنیال ها
جهنمی به پا کردیم!

انتظار نداری
هر احمقی که یه
جوراب سرش کرده
و نیاز به کار داره
استخدام کنم؟

همه شوهای
برادوی بسته
می شن...

ما رو ببر
بیرون دیگه!

تو کار درستی
کردی! هر وقت
دورمامو برنده می شه
کرک و پر یه
عده...

صبر!

تو دیوونه ای!
به کیسه نخاله! من
انتقام جویان رو بخاطر
تو ترک کردم!

هرگز! تو هیچ
حالتی از واقعیت
و هیچ دنیایی حاضر
نیستم برات کار کنم!

خدمات دنداننی
خوبی دار...

من هیچ وقت
فکر نمی کردم تو حسود
باشی. به کتاب خود آموز دارم
که می تونه کمک کنی نفرت از
خود رو از بین ببری...

حواله
خودت
کن...

ASPHALT

پیشنهاد
می کنم با فصل
عصبیت شروع
کنی.

هی تار عنکبوتی... من
می دونم در مورد
انتقام جویان به هم ریختی.
به همین دلیل که
می خوام کمک کنم.

من برای خودم
یه کارهایی کردم. مثل
مک مرسنری. دد کینگ.
یه چیزی تو مایه های
مد بنک.

پس چون کار کردن
برای اون پیتر پارکر ابزار و
تو که طرح اون لباس
رو ازم دزدیدی، حالمو به
هم می زنه، ولی حاضرم
در مورد کار باهات
حرف بزنم...

من این
لباس رو خیلی
قبل از تو داشتم...

منظورت چیه
پیتر پارکر یه
ابزاره؟



نمی تونی بدون اینکه پاتورو گردن ۹۹ درصد مردم بذاری، جزء ۱ درصد بالایی باشی.

در موردت قضاوت نمی کنم. ما همه برای دو زار کارهایی کردیم که الان شرمنده ایم. این یه بار...

قبل از هر چیز، پیتر پارکر... اگه بخوام راستش رو بگم... از نبوغ خودش استفاده می کنه تا دنیا جای بهتری برای زندگی باشه!

دوم اینکه... اوه خدای من! یه قرار مهم رو دارم از دست می دم!

کمر بند تله پورت؟ پسر اینو باش. این چیزارو باید از همسرت بگیری.

یقه جادویی اوضاع رو تحت کنترل نگه می داره. من فقط جایی رو که می خوام برم تصور می کنم و فشارش می دم و ...

البته فقط برای من کار می کنه. تو برای خودت باید بیافی...



تو شرکت "ددپول" بهترینه هیچ جلسه ای وجود نداره! تو بی که وقت تعیین می کنی! تو بی که شغل مورد علاقتو انتخاب می کنی!

خیلی کار خداییه! تازه گزینش هم نداره...

حالا که همه چیز انقدر باحاله، من می تونم یه کمر بند تله پورت داشته باشم؟



خودتو خر کن.

تو آدم بدی هستی.

SQUEE!

GRRR!

SNAP



آنا ماریا...

اوننا...

جلسه ولی جواسلم دیر شده هست... کلا یادت رفت.

متأسفانه! کوچولوی آبی... وقتی ملکه نفرین شده ها یه هدیه بهت می ده نباید رد کنی...

نه، نکن. متأسفانه!





برنامه ات برای
این یارو هر چی بوده
گندش دراومد...

قبلاً این
جوک رو مرور
کردم!

یه دیوونه صد
فوتی که از آب فاضلاب
ساخته شده
جوک نیست...

خیلی خنده داره
چون خیلی چیز بوگندو
درونش داره می چرخه...
ولی اصلاً جوک
نیست.

دویست
میلیون دلار!

یا امروز صد میلیون
دلار می دید یا این شهر
رو تو کثافت خودش
غرق می کنم!

خیلی خنده داره...
همین حالا داشتیم
در مورد کارهای کثیفی
که مردم برای پول در آوردن
می کنند، حرف می زدیم.

تو
بردی.

نمی دونم... یه
عده آدمهای قولاخ استرویدی
به اندازه استرالیا بودند
که هی تاب می خوردند...

یه چیزایی
تو سوراخ دماغ...
و تو... دهنم
رفتند...

... که بقیه
عمر کابوس من
می شن...

می بخشیا. ولی این
تو بودی که کارو نیمه کاره
ول کردی و یه مستراح
رو رو سر شهر نیویورک
خالی کردی. مسئولیت پذیر
باش و حلش کن.

نیمه پر لیوان می گه
تو این شرایط اگه شماره یک
یا شماره دو از خودت در کنی
هیچکس متوجه نمی شه.
اینم داشته باش.

بیپنم نارنجک
آتشزا داری؟

البته. احتمالاً
خردل خاکستری
نداری؟

بی شک.

انگار به جای یه
جوک خاک برسری
دیگه گفتی خردل...

از موضوع
خارج شدی. وضعیت
درمانیت در چه
حاله؟

این خیلی عالییه!
وولورین در برابرش
مثل بیمارهای
هموفیلیه.

منظورم اینه که
این دستم تقریباً
رشد کرده و برگشته
سر جاش. دیده بودی
که تر کیده بود...

بیینم. از
کی تا حالا برات
مهم شده؟

چون بر خلاف
تو من یه انتقام جوی
قاتل نیستم.

و می خوام
همینجوری
بمونم!

این راه
آغاز مشارکت کاری
نیست!

می خوام اون
برنامه اخلاقیات رو
برات بگیرم باهوش
کار کنی عوضی
تار...

سپایدر مان



خوب برای تمیز شدن و موندن می گم اگه یه بار دیگه با من در بیفتی...

...یا به سمت من نگاه کنی...

...یا کلاً تو کل آمریکا وارد یکی از تارهای اسپایدری من بشی...



کلاً و ذاتاً حالمو به هم می زنی.

... با تار سر تو دائمی به شورتت پیوند می زنی.

از کدوم طرف؟

خیلی عجیبه... این حرفیه که مرد تو آئینه هر روز صبح بهم می گه.



هی، ساعت ها وقت لازمه تا این اعضا دوباره سبز بشن. می تونی لااقل موبایلت رو بهم قرض بدی؟

تو فعالیت های تجاربت موفق باشی.

تیلیفووون به خوووووونه.

هیچی؟ کلی زحمت کشیدم اینو بهت بکم!



اونا سبز می شن...

می شه یه لحظه صبر کنی؟! لطفا...

چی؟

خیلی سخته. می دونی... تو فکر می کنی من به تیکه آشغالم. به تیکه آشغال که کلید ورود به برج انتقام جویانه. ولی... من سعی می کنم تغییر کنم ولی تو چی؟



یه چیزی مثل تو شدن سخت. ولی فکر کردم شاید... بشه یه کم با هم دوست باشیم...

که من به تو چی یاد بدم...؟ خوب بودن...؟ یا قهرمان بودن؟



نه. چیزی مثل این یاد دادنی نیست. کسب کردنیه.

فکر کردم اگه در کنار تو باشم و در کار درست بعدی شریکت بشم، شاید بتونم کسبش کنم...

... شاید بتونم حس احترام تو رو هم بدست بیارم.



اوکی، من دارم می رم. برو یه چند تا گربه لگد بزن یا هر کار دیگه.

اگه هر وقت خواستی Bay watch یا "چهره های مرگ" یا "آتومی گری" یا هر سریال دیگه ای ببینی منو خبر کن.



این سطل آشال خالی بود که... آآآآ... موالدر.



ازش متنفرم...

ازش متنفرم. آسونه. تو سالهاست این کارو می کنی. فقط...

...

من به درمان زیاد نیاز دارم.



با هم
سر صد تا
توافق کردیم.

آره خوب.
درست از آب در
نیومد. پس تو کارو
تموم کن من نصف
پولو بخت بدم.



با منی؟!
یادت باشه که
من تو تبس آموزش
دیدم!

من با غولهای
واقعی دراماتیس
کار کردم. غولهایی
مثل پرسونی!
آریستوفانس! یومنیدیس!
پلاتو!

تو با بیضا کلیس
هم می پلکیدی؟
خیلی آدم
آویزونیه.

نمی دونم...
بیضا کلیس؟؟
هنر پیشه است؟



آره، آره.
تو سریال میرزا
فیض الله نتفلیکس
بازی کرده.

هفتاد و پنج
روح رو صرف
یادگیری درس
هنر پیشگی کرد...

چه وضعیت
تخیلی ای شده.

دیگه نمی تونم
تحمل کنم. تا کی
باید این تو
بمونم!!



به هر حال...
من یه کار جدی
دارم که باید
بعش رسیدگی
کنم.

بازیگری
دیگه بسه...



یعنی...
می تونم یا
این شانس هم
می سوزونم؟

HEROIC GOOD



کائنات به حرف
اومدن.
هیی
راه رفتن
تو مسیر تعالی
خیلی سخته.

هدف: پیتر پارکر
مدیرعامل پارکراینداستریز
جایزه: ۱۰۰ میلیون دلار.



باید همچین
دخل پیتر پارکرو
بیارم که...
این یه
عمل قهرمانانه
است.

بوم.
بازم با هم دوست باشیم.
عنکبوتی رو آوردم
اینکه دخل رئیس مرد
امیدوارم بعد از

